

تنهایی؛ قصه غم انگیز سالمندان

مادربزرگ هر بار که سرفه می‌کند خس‌خس ریه‌اش بلند می‌شود و هر بار این اتفاق می‌افتد حامد نوه او که سر میز غذا است ...



جام جم آنلاین: مادربزرگ هر بار که سرفه می‌کند خس‌خس ریه‌اش بلند می‌شود و هر بار این اتفاق می‌افتد حامد نوه او که سر میز غذا است با قهر و بدگویی بلند می‌شود. اوایل پدرش با چشم غره یا تشری او را سر جایش می‌نشاند، اما حالا دیگر حامد بزرگ شده است و خودش باید بفهمد درست و نادرست چیست. متأسفانه حامد فقط منتظر مرگ پیرزن است. او این را حتی با وقاحت به خود پیرزن هم گفته است.

این رفتار چیزی است که حمید از بچگی آموخته است. مادرش همیشه زیرگوش او می‌خواند که بالاخره او می‌میرد و من از مزاحمتش راحت می‌شوم. او از وسواس‌ها و بدخلقی‌های مادر شوهرش می‌گفت و تا می‌توانست حمید را از او دور می‌کرد و الان که حمید این بدرفتاری‌ها را با مادربزرگ می‌کند او چندان هم ناراحت نیست.

ریشه‌های بدرفتاری

سوءرفتار با سالمندان یا سالمندآزاري از جمله پیامدهای افزایش تعداد سالمندان در خانواده‌ها و کوچک شدن فضای خانه و اختلاط بیش از حد فضاهای خصوصی افراد است.

اما تنها دلیل این بی‌مهری افزایش امید به زندگی نیست. وضع نامناسب اقتصادی خانوار و تربیت نادرست فرزندان در ارتباط با حفظ احترام والدین و عدم استقلال مالی پدربزرگ و مادربزرگ‌ها از فرزندان و نوه‌ها کم‌کم سبب می‌شود آنان جایگاه اصلی خود را در خانواده از دست بدهند و گاه به عنوان یک سربار به آنها نگاه شود.

پژوهشی در مورد میزان و انواع سوءرفتار خانگی با سالمندان مراجعه‌کننده به پارک‌های شهر تهران با پرسش از 400 نفر از سالمندان زن و مرد 60 ساله نشان داد 88 درصد از نمونه‌های پژوهش تجربه حداقل یک نوع از سوءرفتار و 25 درصد از نمونه‌ها تجربه همزمان چند نوع سوءرفتار را تحمل کرده‌اند.

نتیجه یک پژوهش نشان می‌دهد 85 درصد از پاسخگویان تجربه سوءرفتار عاطفی، 68 درصد تجربه غفلت، 40 درصد تجربه سوءرفتار مالی و 35 درصد از نمونه‌ها تجربه سوءرفتار جسمی را عنوان نمودند.

آینده و سالمندان پرشمار

طبق پیش‌بینی سازمان بهداشت جهانی، سال 2020 میلادی بیش از یک میلیارد نفر بالای 60 سال عمر خواهند داشت.

در حالی که این رقم در حال حاضر 580 میلیون نفر است. از یک میلیارد نفر سالمند بالای 60 سال 2020 میلادی، 710 میلیون نفر در کشورهای پیشرفته خواهند بود که این رقم هم‌اکنون 330 میلیون نفر است.

جامعه‌شناسان معتقدند این گروه از جمعیت که نیازمند توجه و آسیب‌پذیر هستند از لحاظ اجتماعی، بهداشتی و تغذیه‌ای باید مورد توجه قرار گیرند.

افزایش شمار سالمندان در کشور همزمان با تغییر در سبک زندگی، فشار بیشتری را بر اعضای خانواده وارد کرده و از طرف دیگر هزینه‌های بالای نگهداری آنها در مراکز مراقبت سالمندان، خطر سوءرفتار و آزارسانی به آنها را افزایش می‌دهد، البته خوشبختانه در کشور ما 92 درصد از سالمندان در کانون‌های خانوادگی زندگی می‌کنند، اما این بدان معنا نیست که این افراد کلاً از خشونت و سوءرفتار دور می‌مانند.

غم‌انگیزترین موضوع این است که خیلی از این افراد توسط خانواده‌ها مورد سوءرفتار قرار می‌گیرند بی‌این‌که بدانند رفتار آنان خشونت به حساب می‌آید.

سالمنداني در بيمارستان‌ها رها مي‌شوند يا تحت درمان قرار مي‌گيرند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند، اما قانون مدوني براي گزارش کادر درمان در مورد خشونت‌هاي جسمي که در مورد آنها اعمال شده است وجود ندارد يا اگر هست به آن عمل نمي‌شود. مردم به خشونت عليه کودکان و زنان بسيار حساس‌تر هستند تا سالمندان.

171&#م - الف؛ سوپر وايزر بخش ارتوپدي يك بيمارستان دولتي است که شاهد اعمال خشونت عليه يك بانوي سالمند بوده است.

او مي‌گويد: زن سالمندي در اين بخش بستري است که هيچ‌کس او را از اينجا نمي‌برد. اين زن يك بار به خاطر شکستگي مراجعه کرده بود که درمان شد و به خانه برگشت، اما پسرش طوري او را زده بود که نتواند به خانه برگردد و او را با شکستگي لگن به اينجا آورد و حالا مدت زيادي است کسي از او خبري نمي‌گيرد و پيرزن روبه‌روز ناتوان‌تر و رنجورتر مي‌شود. ما به او رسيدگي مي‌کنيم، اما اين جراحت عميقي است که بر روح و جان او نشسته است.

انواع خشونت

خشونت عليه شخص تنها اين نيست که او را بزني و دست و پايش را بشکني. انجام دادن يا ندادن يك عمل که منجر به آسيب جسمي، روان‌شناختي، اجتماعي يا مالي سالمند شده و منجر به کاهش كيفيت زندگي او مي‌شود نيز سوءرفتار و اعمال خشونت عليه سالمند به حساب مي‌آيد.

خشونت رواني (تحقير، دشنام، از ميان بردن اعتماد به نفس و سرزنش)، خشونت اقتصادي (در مضيقه مالي دائم قرار دادن قرباني)، خشونت اجتماعي (انزوای اجتماعي و ممانعت از برقراري روابط اجتماعي) و خشونت جنسي- که يکي از مصاديق آن جلوگيري از ازدواج مجدد سالمند است - از انواع خشونت هستند.

اکثر انديشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعي زنان و کودکان را قربانيان اصلي خشونت در خانواده تلقي کرده و از سالمندان کمتر ياد مي‌کنند اگرچه وجود همسرآزاري و کودک درمقايسه با سالمندآزاري از فراواني بيشتري برخوردار است، اما اين امر دليل بر نفي سالمندآزاري نيست.

افسردگي به خاطر خشونت

تهديدهاي متداول مانند دوست نداشتن سالمند، موردپسند نبودن، دشنام دادن، تمسخر و استهزاء سالمندان در جمع، ممنوعيت برقراري ارتباط با ديگران، بي‌توجهي نسبت به نيازهاي جسماني، اجتماعي و رواني سالمند، همه خشونت رواني است که سلامت رواني سالمند را به مخاطره مي‌اندازد و موجب بروز احساساتي همچون بي‌ميلي به زندگي، سرزنش خود، نداشتن اعتماد به نفس و نگرش مثبت، احساس ياس و نااميدي و درماندگي، ترس از مردم، اضطراب، احساس گناه، احساس حقارت، احساس عدم شايستگي و خودارزشمندي و نهايتاً کناره‌گيري سالمند مي‌شود.

171&#سکينه - د؛ بانوي 70 ساله‌اي است که با دامادش زندگي مي‌کند. او مي‌گويد: دامادم از حضور من ناراحت است، اما بچه‌هاي او مرا خيلي دوست دارند.

او براي اين که مرا زجر دهد از بچه‌ها بهانه مي‌گيرد و آنها را مي‌زند. وقتي آنها به من پناه مي‌آورند با خشم و نفرت به من نگاه مي‌کند و دستش را روي من هم بلند مي‌کند، اما نمي‌زند و مي‌رود. اين‌جور مواقع دلم مي‌خواهد بميرم و اين بچه‌هاي بي‌گناه به خاطر من عذاب نکشند، اما جايي براي رفتن ندارم. يك بار خودم رفتم به کهريزک که قبول کنند، اما گفتند تو کس و کار داري و کسي از خانه بيرون نکرده و بيمار هم نيستي. ديگران به تو اولويت دارند.

بايد کاري کرد

خانواده‌ها از هم سردتر مي‌شوند و سالمندان جايگاه اصلي خود را از دست مي‌دهند. نوه‌ها ديگر عاشق مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها نيستند و احترام لازم را به آنها نمي‌گذارند. ما در سه دهه آینده سالمنداني تنها، غمگين، منزوي و مطرود خواهيم بود. آيا اين آینده‌اي است که براي خود و فرزندانمان تصور مي‌کنيم؟ اگر نمي‌خواهيم اين خشونت‌ها گسترش يابد از حالا بايد کاري کرد.

تدوين قوانين حمايتي از سالمندان و ضمانت اجرائي لازم براي خانواده‌ها در مورد طرد يا ترك بزرگان خانواده در مقابل حمايت و

تشویق خانواده‌هایی که سالمندان خود را بخوبی نگهداری می‌کنند و تشویق و تشکیل انجمن‌های حمایت از سالمندان در سطح کشور
برخی راهکارهایی است که می‌تواند افق روشن‌تری را پیش‌رو باز کند.

ماندانا ملاعلی